

عزت الله فولادوند دورودی  
(کرج)

به روان پاک دکتر پرویز ناتل خانلری  
یکی از نگاهبانان زبان فارسی  
(آینده)

## بحر خفیف یا مضارع؟

عروضی نکته‌سنج جناب اکبر پیلهوری، ضمن نامه چاپ‌شده در صفحه ۱۳۰ شماره ۱ و ۲ فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۸ گرامی نامه آینده به قصیده‌ای که در سوگ زنده یاد استاد دکتر مهدی حمیدی سروده‌ام و در آینده تیرماه ۱۳۶۶ درج گردیده است، دو مصراع را خارج از وزن عروضی شعر دریافته‌اند. نظر ایشان را به موارد زیر توجه می‌دهم:

- (۱) مرثیه مورد بحث در قالب قصیده سروده شده است و قطعه نامیده نمی‌شود.
  - (۲) از اینکه قصیده را دلنشین توصیف فرموده‌اند سپاسگزار ایشانم.
  - (۳) به نظر وی این قصیده در بحر خفیف سروده شده است، و ارکان و اجزاء این بحر نیز با افاعیل: مستفعلین فاعیل. تقطیع می‌شود.
- قبل از هر چیز بهتر آنست که روشن شود آیا بحر خفیف با افاعیل ابداعی آقای پیلهوری همراه است یا خیر؟ شمس قیس رازی در صفحه ۱۷۰ المعجم خود پاسخ می‌دهد: « بحر خفیف از بحور قدیم است و اجزاء آن از اصل فاعلاتن مستفعل لن فاعلاتن، دوبار فاعلاتن مفاعله فاعلاتن آید و زحاف این بحر هفت است... و اجزاء منشعبه آن از اصل فاعلاتن هشت است.»

ابیاتی به شرح زیر برای نمونه وزن این بحر و اجزاء منشعب از آن ذکر می‌کنند:

صنما طاقت فراق ندارم

فاعلاتن مفاعله لن فاعلاتن

+

باغ سرمایه‌ی دگر دارد.

+

ای ز رای تو ملک و دین معمور

+

دوش سلطان چرخ آینه‌فام ...

بنابر بیان شمس قیس بحر خفیف با فاعلاتن مفاعله لن فاعلاتن تقطیع می‌شود نه با

افاعله مستفعلین فاعله مفاعله

به جست و جوی افاعیل صحیح بحر خفیف به عروض حمیدی و ذره نجفی و دیگر کتب عروض نیز مراجعه می‌کنیم و همه جا افاعیل: فعلاتن مفاع لن فعلاتن را ملازم و مقارن این بحر قدیم می‌بینیم. برای پرهیز از شک و تردید و رسیدن به یقینی رضایت‌بخش، کتاب ارجمند « وزن شعر فارسی » استاد دکتر پرویز خانلری را می‌گشاییم، در صفحه ۱۹۰ کتاب تحت عنوان « سلسله سوم » آمده است:

« این دایره هم مثل دو دایره دیگر شانزده هجا دارد، هشت بلند و هشت کوتاه و از آن شش بحر حاصل می‌شود:

۱ - بحر ...

۲ - بحر خفیف مثنی مخبون، و تقطیع آن بر ۲ بار فعلاتن مفاعلن می‌باشد. « باتوجه به مقدمات بالا دانستیم که افاعیل پیشنهادی آقای پیلهوری با افاعیلی که عروضیان، از گذشته دور تا به امروز برای تقطیع بحر خفیف وضع کرده‌اند مغایرت کلی دارد.

بعد از اندک تأمل و توجه در موسیقی و تغنی قصیده مورد نظر، مطلع، زمزمه کنان خواهد گفت که: از بحر مضارع نشأت گرفته است. نه از جویباران خفیف. شمس قیس رازی اجزای این بحر را از اصل: مفاعیلن فاعلاتن، و چهار بار مفاعیل فاعلات می‌داند، و برایش یازده زحاف نام می‌برد.

استاد خانلری زیر عنوان « سلسله دهم » می‌فرمایند: « این دایره دارای شانزده هجاست شش کوتاه، و ده بلند:

۱ - مضارع مثنی مقبوض (مفاعلن فاعلاتن، مفاعلن فاعلاتن)

عروضی فاضل، حسین آهی در تعلیفات سودمند خویش بر کتاب « ذره نجفی » ذیل بحر مضارع شواهدی ذکر می‌کند که عیناً در اینجا نقل می‌شود:

« بحر مضارع مثنی مقبوض = مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فاعلاتن، به چشمت ای روشنایی که بی تو من بی‌قرارم

بحر مضارع مثنی اخری مکفوف مظموس = مفعول فاعلات مفاعیل فع

ناصر خسرو: شاید که حال و کار دگرسان کنم

بحر مضارع مسدس اخری مکفوف = مفعول فاعلات مفاعیلن

رودکی: ای آنکه غمگنی و سزاواری،

بحر مضارع مسدس اخری مکفوف محذوف = مفعول فاعلات فعلولن.

مهدی اخوان ثالث: دیدی دلا، که یار نیامد + گرد آمد و سوار نیامد.

بحر مضارع مسدس اخری مکفوف مقصور = مفعول فاعلات مفاعیل.

ملک‌الشعراء بهار: هر کو در اضطراب وطن نیست.

\* \* \*

اما بحر مضارع و رودها و جوئیباران زلال و جاری و مترنمش شاید بیش از هر شاعر دیگر با دل و جان آوارهٔ یمگان ناصر خسرو قبادیان انس و الفت دیرین داشته است:

آزرده کرد کژدم غربت جگر مرا

مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

+ + +

ای روی داده صحبت دنیا را

مفعول فاعلات مفاعیلن

+ + +

چون در جهان نگه نکنی چونست

مفعول فاعلات مفاعیلن

+ + +

آمد بهار و نوبت سرما شد

مفعول فاعلات مفاعیلن

+ + +

گفتم که در پدر نگر ای پر هنر پسر

مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

+ + +

بفریفت این جهان چو اهریمنش

مفعول فاعلات مفاعیل فع

+ + +

گر مستمند و با دل غمگینم

مفعول فاعلات مفاعیلن

چندین برابر مطالع منقول از دیوان ناصر خسرو در همین بحر می‌توان برشمرد. دریغ دارم که به دو قهصیدهٔ دل‌انگیز مسعود سعد سلمان که به بحر مضارع سروده شده‌اند اشاره‌ای نکنم

شد در شبه عقیق مرکب	شد مشک شب چو عنبر اشهب
لرزان شده زگردون کوكب	ز آن بیسم کافتاب زند تیغ
آن راستگو خروس مجرب	ما را به صبیح مژده همی داد
یا از تأسف شدن شب	هست از نشاط آمدن روز

مفعول فاعلات فعولان

این نیز مطلع قصیده دیگر مسعود:

امروز هیچ خلق چو من نیست جز رنج ازین نحیف بدن نیست  
 که به بحر مضارع مسدس اخرب مکفوف مقصور است و با افاعیل؛ مفعول فاعلات  
 مفاعیل تقطیع می‌شود. و این همان قصیده‌ای است که زنده یاد ملک‌الشعراء بهار چکامه  
 " وطن " خود را به اقتضای آن سرود:

هر کو در اضطراب وطن نیست آشفته و نژند چو من نیست  
 کی می‌خورد غم زن و دختر آن را که هیچ دختر و زن نیست  
 نامرد جای مرد نگیرد سنگ سیه چو در عدن نیست  
 ایران کهن شده است سرپای درمانش جز به تازه شدن نیست

قضا را قصیده‌ای که من مبتدی در سوگ شادروان استاد حمیدی شیرازی سروده‌ام،  
 و از طرف آقای پیلهوری مورد ایراد است، به وزنی است که دو قصیده اخیر مسعود سعد  
 و زنده‌یاد بهار به همان وزن سروده شده‌اند که از نظر عروضیان همان بحر مضارع  
 مسدس اخرب مکفوف مقصور خواهد بود و با افاعیل: مفعول فاعلات مفاعیل تقطیع  
 می‌شود، اکنون چند بیت آن قصیده را بازخوانی می‌کنیم:

غمگین‌تر از غروب گذر کرد مردی که با سپیده سقر کرد  
 یک آسمان ستاره به دامان زین دشت شب گرفته گذر کرد  
 ز اقلیم خفتگان شب آلود عزم سفر به شهر سحر کرد  
 آوار بود و صاعقه و سیل هر جا دوید و ماند و نظر کرد

پیش از آنی که به چند و چون عیوب وزن عروضی قصیده محمود بهردازیم، یادآوری  
 نکاتی ضرور می‌نماید. پژوهشگر گرانقدر روزگار ما جناب استاد خانلری - که عمرش  
 درازتر باد - در کتاب " وزن شعر فارسی " به جای:

سبب، یعنی یک حرف متحرک و یک ساکن مانند: من،

وتد، یعنی دو حرف متحرک متوالی و یک ساکن مانند: روم،

فاصله، یعنی سه حرف متحرک متوالی و یک ساکن مانند: بروم

هجای بلند و کوتاه را به کار می‌برد. و کار تقطیع را بسیار دقیقتر و آسانتر می‌گرداند.

هجای بلند، یک حرف متحرک و یک حرف ساکن است با این علامت: (—) من

هجای کوتاه، فقط حرفی است متحرک بدین علامت: ( U ) م یا که



اکنون نخست مطلع قصیده مسعود و سپس مطلع قصیده مورد بحث را با افاعیل  
 عروضی و هجاهای بلند و کوتاه استاد خانلری تقطیع می‌کنیم تا معیار و ضابطه صحیح

اندازه گیری کیفی و کمی مصراعها را بدست آوریم

مسعود:

امروز / هیچ خلق / چو من نیست + جز رنج / ازین نحیف / بدن نیست  
 — — U / U - U - / U — — + — — U / U - U - / U — —

امروز = مفعول

هی چ خلق = فاعلات

چ من نیست = مفاعیل

جز رنج = مفعول

زی نحیف = فاعلات

بدن نیست = مفاعیل

همانطور که ملاحظه می‌شود به تعبیر استاد خانلری هر مصراع مطلع، مرکب است از شش هجای بلند و چهار هجای کوتاه و در اصطلاح عروضیان پیشین مطلع با افاعیل مفعول فاعلات مفاعیل، تقطیع می‌شود.

در بدو امر چنین به نظر می‌رسد که این تعداد هجای کوتاه و بلند با همین کیفیت و کمیت و تقدم و تأخر و تلفیق و ترکیب می‌باید از مطلع تا مقطع شعر بدون کم و زیاد و جا به جایی به کار گرفته شوند تا آهنگ و موسیقی کلام به صورتی یک دست و یک‌نواخت بی‌هیچ فراز و فرود به گوش دل و جان بنشیند.

اگر از وزن عروضی شعر و ترنم و تغنی آن چنین توقعی منظور باشد، در این صورت ایراد جناب پیله‌وری بر آن دو مصراع قصیده اینجانب حقاً وارد است و جایی برای چون و چرا وجود ندارد.

اما با اندکی ژرف‌اندیشی و بازنگری در آثار ارزنده سخنوران نامدار دشت بی‌فرسنگ زبان و ادب پارسی درمی‌یابیم که این فرض چنانکه برخی نکته‌گیران پنداشته‌اند اصلی لایتغیر نیست و در زمره عیوب شعر نیز بشمار نیامده است، اکنون این شما و این هم دیوان شاعران بزرگ پارسی:

(۱) مسعود سعد: بیتی دیگر از قصیده‌ای را که مطلعش تقطیع شد، تقطیع می‌کنیم

مداح / بس فراوان / دارد      لیکن از / آن یکیش چو من نیست  
 — — U — / U — —      — — / — — U — / U — —

مفعول / فاع لاتن / فعلن      مفعول / فاع لات مفاعیل

این قصیده که به بحر مضارع مسدس اخرب مکفوف مقصور است، و مطلع آن قبلاً تقطیع شد فرض بر این بود که تا مقطع همه مصراعهایش از شش هجای بلند و چهار هجای کوتاه ترکیب شود. و به تعبیر دیگر افاعیل آن در چهارچوب: مفعول فاعلات

مفاعیل محصور و مخصوص بماند، در حالی که می‌بینیم در این مصراع به جای شش هجای بلند هفت، و به جای چهار هجای کوتاه، دو هجای کوتاه بکار رفته است. و فاعلاتن به فاعلاتن و مفاعیل به فعلن مبدل شده است.

در مصراعهای: " این هست و آرزوی دل من، " و " لولو و در چو خط و لفظش " نیز وضع به همین ترتیب است

رودکی:

ای آنکه / غمگنی و / سزاواری      وندر / نهان سرشک / همی باری  
 --- U / U - U - / U - -      - - - U / U - U - / U - -

مفعول / فاع لات / مفاعلی لن      مفعول / فاع لات / مفاعلی لن

این بیت رودکی در بحر مضارع مسدس اخرب مکفوف است. و هر مصراع آن هفت هجای بلند و چهار هجای کوتاه به همراه دارد. و انتظار می‌رود شاعر تا پایان شعر به همین هجاها و افاعیل وفادار بماند، در حالی که چنین نیست، شاهد:

هموار / کرد خواهی / گیتی را

--- / --- U - / U - -

مفعول / فاع لاتن / مفعولن

هفت هجای بلند به هشت هجا، و چهار هجای کوتاه به دو هجای کوتاه تبدیل شده‌اند و جای فاعلاتن را فاعلاتن و محل مفاعلی لن را مفعولن گرفته است.

سنایی:

معشوق / مرا ره قلندر زد      ز آن راه / به جانم / آتش اندر زد  
 --- U - U - U / U - -      --- U - / U - U - U - -

مفعول / مفاع لن / مفاعلی لن      مفعول / مفاع لن / مفاعلی لن

به " ها " " کلمه " ره " یک حرف در تقطیع اضافه می‌شود تا یک هجای بلند به حساب آید.

بیت از هفت هجای بلند و چهار هجای کوتاه برخوردار است، و معیار برای سنجش وزن همه ابیات شعر همین است. حال آیا این کمیت و ضابطه در همه شعر رعایت شده است؟

رندی در زهد و کفر در ایمان      ظلمت در نور و خیر در شر زد  
 - - / - U - U / - - - -      - - / - U - U / - - - -

مفعول لاتن / مفاع لن / مفعولن      مفعولن / فاعلان

آیا به نظر آقای پیلهوری هجاها و افاعیل به کار رفته همان است که در مصراع اول وجود دارد؟ و به تعبیر ایشان بیت سلاست و سلامت خود را از دست داده است؟

در دیوان سنایی عارف ازین دست ابیات خوش آهنگ کم نیست، من از طول کلام اجتناب می‌ورزم، و این هم شاهی از ناصر خسرو شاعر: "مانده به یمگان در زندانی"

ای روی داده صحبت دنیا را  
 --- / U - U - / U -  
 مفعول / فاعلات / مفاعیلن

حال این مصراع:

کان کور / دل ندارد / پذیرفتن  
 --- / -- U - / U --

مذعول / فاع لاتن / مذعولن

آیا در این دو مصراع از یک قصیده تفاوت هجاها و افعیل محسوس نیست؟ اکنون که به پایان مقال نزدیک می‌شویم، بهتر آنست که مطلع قصیده کذایی را هم تقطیع کنیم:

غمگین / تراز غروب / گذر کرد / مردی که / با سپیده / سفر کرد  
 --- / U - U - U - / U --

مفعول / فاع لات / مفاعیل / مفعول / فاعلات / مفاعیل

هر مصراع همچون قصیده مسعود و استاد بهار با شش هجای بلند و چهار هجای کوتاه نظم یافته است، و همه ابیات با همین افعیل و هجاها تقطیع می‌شوند تا به بیت مورد ایراد می‌رسیم،

ای هر / گزی سخنو / ار من چون / مرگ تو / ارا توانم / باور کرد

--- / U - U - U - / U --

مفعول / فاعلات / مفاعیل / مفعول / فاعلاتن / مفعولان

همه بحث بر سر مصراع دوم است، همانطوری که ملاحظه می‌فرمایید در این مصراع برخلاف وزن جاری در سراسر قصیده، به "فاعلات" به اندازه یک "نون" ساکن افزوده شده، و "مفاعیل" جایش را به "مفعولان" داده است. و به نظر جناب پیله‌وری: «از محدوده وزن خفیف شعر در بحر (مستفعلن فاعول مفاعیل) خارج و در وزن (مستفعلن فاعول مفاعیلن) که وزن دوم از سه وزن متداول همین بحر و اندکی از آن طولتر است آمده و ثانیاً در مصراع اول از بیت ۲۴ نیز دو کلمه "عاشق" و "حافظ" با توجه به اینکه حرف اول هر دو از حروف حلقی و ثقیل بوده و بدین لحاظ در آن موضع از مصراع، سلاست و سلامت شعر را یکی پس از دیگری مخدوش نموده‌اند، نتیجتاً در این مصراع هم وزن شعر مغشوش و ناساز تنظیم گشته است.»<sup>۱</sup> واضح است

که وجود زحاف در مصراع، علت اختلاف افاعیل می‌باشد نه حلقی بودن حروف اول کلمات "عاشق" و "حافظ" زیرا می‌توان ابیات سالم بسیار نقل کرد که با داشتن حروف حلق هیچ زحفی نداشته باشند.

و این افزایش و کاهش به ارکان و اجزاء مصراع، و بیت ذنب لایغفر من نیست، زیرا چنانکه مصادیق بارز آن در طول نوشته، گفته آمد:

در مصراع: «مداح بس فراوان دارد»، از مسعود سعد: فاعلات، فاعلاتن و مفاعیل، فعلن شده است

در مصراع: «هموار کرد خواهی گیتی را»، از رودکی: فاعلات، فاعلاتن و مفاعیلن، مفعولن

در غزل: «رندی در زهد و کفر در ایمان»، سنایی: مفعول، مفعولاتن و مفاعیلن، فعلن

در قصیده: «کان کور دل ندارد پذیرفتن»، ناصرخسرو: فاعلات، فاعلاتن و مفاعیلن مفعولن شده‌اند و به قول اخوان ثالث در «مرد و مرکب»: «آب از آب و برگ از برگ و هیچ از هیچ هم نجیبیده است و کسی هم بدان بزرگان و عزیزان اعتراض نداشته، و ندارد.

در پایان هرگاه با اطالۀ کلام محل این مقال و استقراء و قیاس و تمثیل از دیوان بزرگان سخن پارسی آن دو مصراع لعنتی همچنان ناساز و منزحف و مغشوش می‌نماید، اگر فرصت نشر دوباره روی داد به آب و یا آتش تخلص خواهند یافت.

در تنظیم این نوشته از مآخذ زیرین سود جستیم:

رسال جامع علوم انسانی

۱. المعجم فی معایر اشعار المعجم، شمس فیس رازی، به تصحیح مدرس رضوی
۲. وزن شعر فارسی، دکتر پرویز نائل خانلری
۳. ذرۀ نجفی، نجفقلی میرزا، به تصحیح و تعلیقات و حواشی حسین آهی
۴. عروض حمیدی، دکتر مهدی حمیدی شیرازی
۵. دیوان ناصرخسرو، مقدمه م. درویش
۶. دیوان مسعود سعد سلمان، به تصحیح رشید یاسمی
۷. شرح احوال و آثار ملکه الشعراء بهار، خواجه عبدالحمید عرفانی
۸. دیوان رودکی، آثار منظوم با ترجمه روسی، تحت نظر ی. براگینسکی. انستیتوی ملل آسیا،

مسکو، ۱۹۶۴

۹. دیوان سنایی، با مقدمه و حواشی مدرس رضوی

۱۰. مجله آینده سال ۱۳۶۸. جلد پانزدهم شماره ۱-۲